



Translate Luna
Clean Luna
Type Robin



[T.me/IriSekai](https://t.me/IriSekai)



[instagram.com/IrisSekai](https://www.instagram.com/IrisSekai)

می خواستی بهم سم
بدی تا منو بکشی؟

ولی اوضاع خوب
پیش نرفت، پس زدی
به چاک، ها؟

Creak

بصبرررر!!

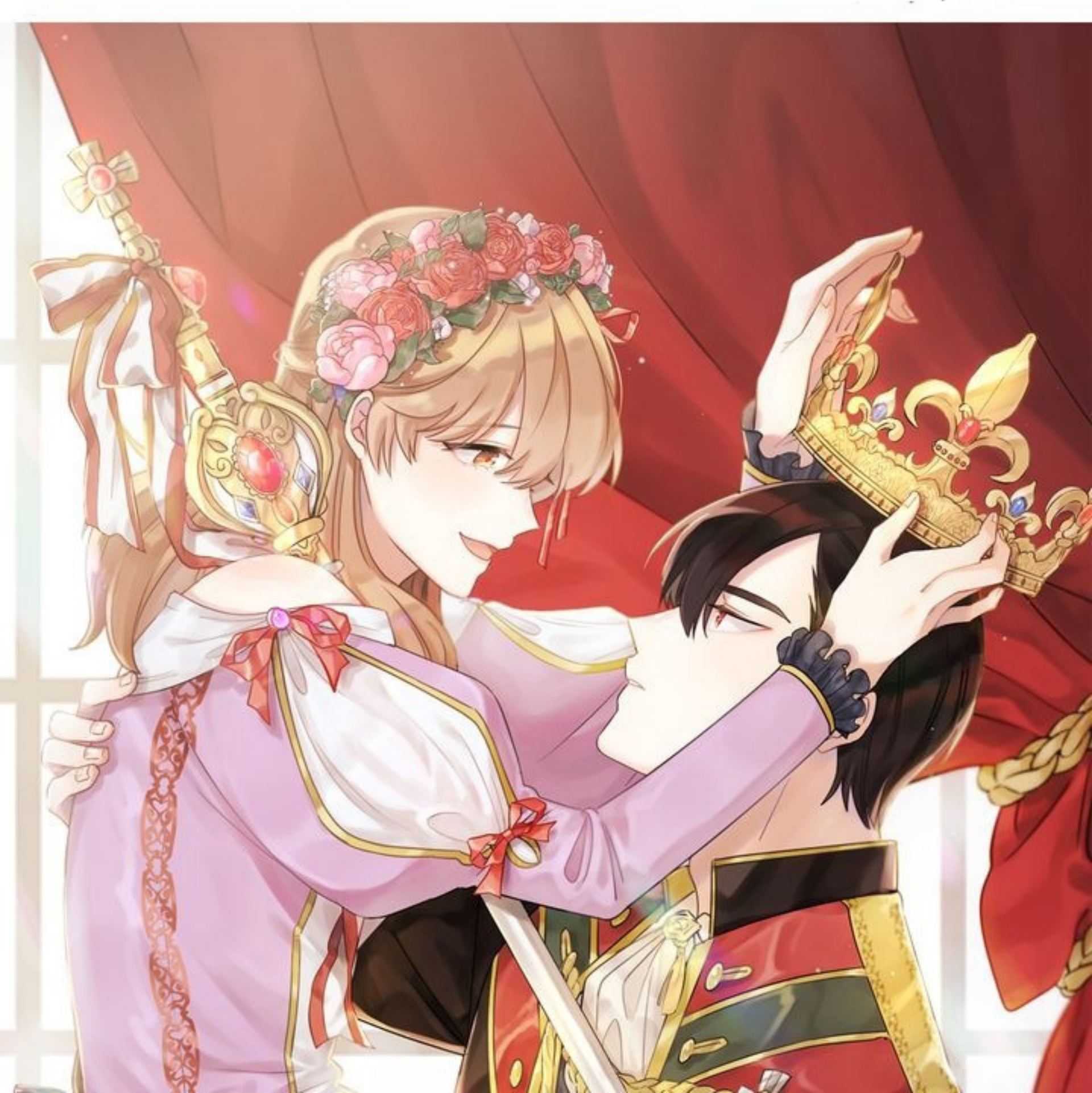
عزیزیه نفر
نجاتم بدههه!!

THWING

THWOCK

THWANG

... چرا باید
برمی گشتی...؟





I Choose the Emperor Ending

I Choose the Emperor Ending

Story : KIM SUO

Art : jaradog

Ep 57

©DAONCOMIX



THUMP—



GRAB

عيج!!



بازم چیزی
مونده که بخوای ازم
اخاذی کنی؟

به اندازه کافی
طول و عرض قلعه
رو اندازه زدی.

بخت گفته این
دفعه بیای و یه چیز درست
حسابی از من پیدا کنی؟



امپراطور
می دونه من دوستت
دارم، درسته؟





ه، هاه؟

هوممم؟ جوابمو بده.
بهت گفته این دفعه
هم اغوام کنی؟



ن، نه
اینطوری نیست!

تو کسی
هستی که الان داره
اغوام می کنه!

من، من بر گشتم
تا تو رو ببینم.

بهم اعتماد کن!
لطفا!

احمق...

raise

عزیز به خاطر
حرفم متأسفم!!

?!

FLABBERGAST

ت، تو الان
خماری یا یه
همچین چیزی...؟



اگه تو منو نکشی،

Iris
Sekai
T.me/
IriSekai

من می کشمت.

حتی اگه نتونی
ماموریتت رو تموم کنی،
کشتن منبع اطلاعاتی هم میتونه
برات نفع داشته باشه.



ا، ادوارد...

لطفا فقط بهم گوش
کن...

بهت سه ثانیه
زمان می دم. یکمون
توی این زمان می میره.
تصمیمت رو بگیر.



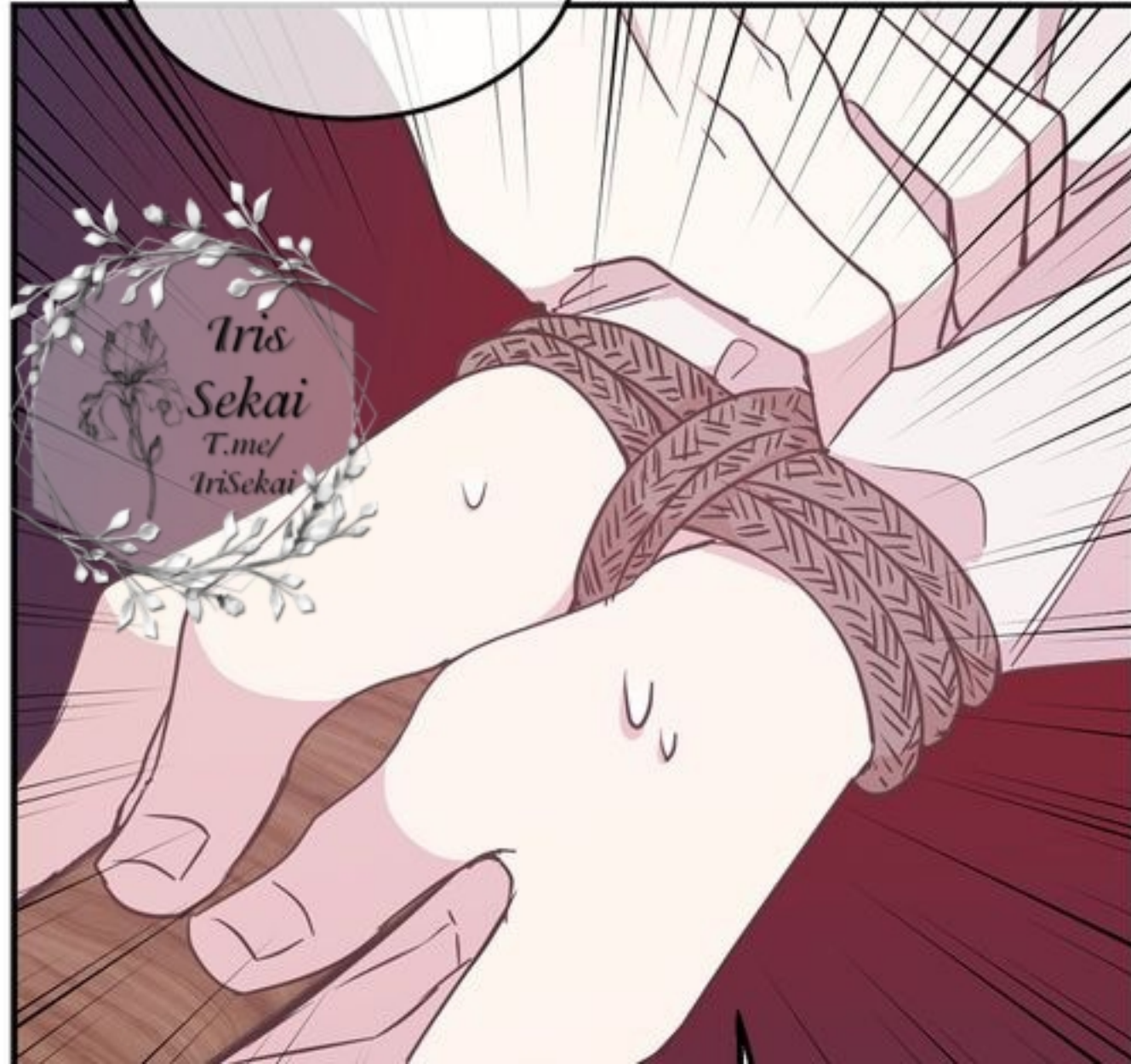
صبر کن،
صبر کن!!

سه.



ادوارد، آروم باش،
انگار الان عقلت
سرجاش نیست!!

دو.



اینو تو پیپیری دور دستم؟
تو پیپیری؟ چون من
نیپیرمش!!

یک.

ادوارد، نه...!!

WHAM



...









توی این مدت
زمان چی به سرت اومده،
ادوارد...؟



به هر حال،
الان دم صبحه یا عصره؟



...!





*Iris
Sekai
T.me/
IriSekai*

کین!

step

step

استاد رینو!



این ساعت اینجا
چیکار می کنی...؟



حالت خوبه؟

جاییت
زخمی شده؟

شونه‌ها و مچت
که دیروز فشار دادم
درد نمی کنن؟

هاهاها،
انقدر نازک نارنجی
نیستما...

لرد ادوارد
شقه شقت نکرد؟!

... آه.





...!



... اشكال نداره
بيرون باشی؟



فقط می خواستم
مطمئن شم حالت خوبه،
ولی بهت زحمت دادم
تا اینجا بیای...

آره.
راستشو بخوای
یواشکی اومدم.

چی؟!

ای ددم وای... پس
باید فوراً برگردی!



یعنی، مهم تر اینکه،
خواب لرد خیلی سبکه!
چی می شه اگه دچار
سوء تفاهم بشن...!

آه، نگران
ادوارد نباش.

با یه مُسکن
بیهوشش کردم!



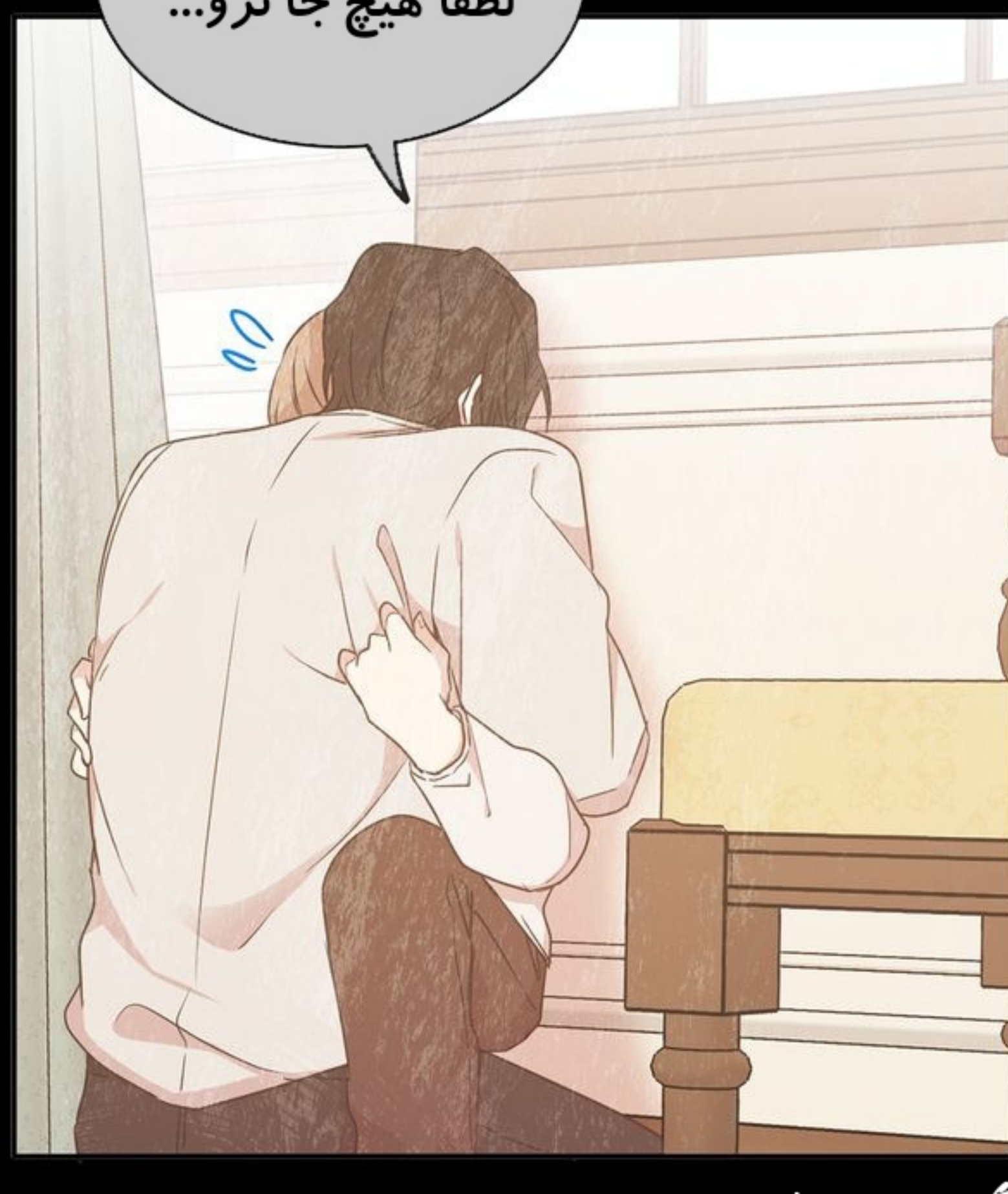
پسی؟!

رایین: خوشم میاد به بدبخت
مُکُن روز از نوع تیر بهش زده (:

ولی وضعیتش
ناپایداره...

هیچ راهی نبود
که آرومش کنم.

دوباره ولم نکن.
لطفا هیچ جا نرو...



لون: جیلوم زغال شد
رایین: منم (٠٠٠٠٠٠٠٠)



کین، می تونی
دور و بر قلعه رو بهم
نشون بدی؟

باید بفهمم
دقیقا چه بلایی سر
قلعه اومده!

To Be Continued



©DAONCOMICS



از شما برای خواندن کارمون
ممنونیم. لطفا **کپی نکنین** و بدون
ذکر منبع کار مارو جای نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنید و کارهایه
جذاب دیگمون رو هم بخونین.

@IriSekai

